

کسی؛ و مگر می شود خود را وقف مردم کرد و به دنبال عدالت به مفهوم واقعی اش نبود؟ وقف برای مردم (جمهور) لازمه تحقق عدالت است. وقف، جمهوریت و عدالت را به نفع مردم به یکدیگر پیوند می زند. لازمه و نتیجه این وقف برای مردم با مردم بودن است و برای مردم بودن، و این یعنی دور شدن از استبداد و خودرأیی و بستن راه گفت و گو و دلیل این فقره از سوگند رئیس جمهور «و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم».

اما چگونه می توان چنین اندیشه ای را در اذهان تثبیت کرد؟ قانون اساسی در این باره سازوکار را بیان داشته است؛ امانی دانستن مناصب. همانی که امیرالمومنین (ع) به عنوان اصلی اصیل برای کارگزاران بیان فرمودند که «وَ اِنَّ عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ اَمَانَةٌ» (نهج البلاغه، نامه پنجم). مفهوم اصطلاحی امانت دور از مفهوم لغوی ریشه اش نیست؛ سکونت و آرامش قلب. البته از زمان مشروطه نیز همین امانی بودن مناصب مورد تأکید بزرگانی مانند آیت الله نائینی بود که «رجوع حقیقت سلطنت اسلامیه بلکه در جمیع شرایع و ادیان، به باب امانت و ولایت احد مشترکین در حقوق مشترکه نوعیه [...] از اظهر ضروریات دین اسلام و بلکه تمام شرایع و ادیان است» (تنبیه الامه، ص ۷۱).

نمود این امانی دانستن در سوگند رئیس جمهور آن است که او قسم یاد می کند «با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است، همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم».

رئیس جمهور اقرار می کند که قدرت او امانتی بیش نیست. امانتی است در یک بازه زمانی کوتاه با مسئولیتی بسیار سترگ. او نماینده جمهور است و باید برای همین جمهور و با کمک همین جمهور به گسترش عدالت دست یازد، دست ظالمان و ستمکاران را از بیت المال قطع کند، منافع شخصی و گروهی را به کناری نهد و جز به مصلحت کسانی که امانت را به او سپرده اند، نیندیشد و هر تصمیمش با دو سؤال همراه باشد: ۱. آیا این تصمیم به نفع جمهور است؟ ۲. آیا این تصمیم به عدالت منتهی می شود؟ اگر هر کدام از این دو پرسش بنیادین را نتوانست پاسخ دهد یا با اما و شاید و اگر پاسخ داد، مطمئناً آن تصمیم نه خدمتی به جمهور است و نه عدالت.

از پی جمهوریت و عدالت رفتن، مدلول صریح سوگند رئیس جمهور است. باشد که هم او و هم همگان به سوگندهای خود وفادار باشیم و از «شبی تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل» هم نهراسیم که تاریخ ستایش می کند انسان هایی را که برای رضای مردم و جلب قسط و عدالت با استقامت گام بر می دارند و علاوه بر اینکه نصرت الهی هم با آنان خواهد بود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد ص، ۷) وارث زمین خواهند شد «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵).

پی نوشت:

۱. مهم ترین اصول قانون اساسی به کار رفته در این یادداشت عبارت است از:
۲. اصل دوم قانون اساسی: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:
۳. ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشريع به او و لزوم تسليم در برابر امر او؛
۴. ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛
۵. ۳. معاد و نقش سازنده آن در سير تکاملی انسان به سوی خدا؛
۶. ۴. عدل خدا در خلقت و تشريع؛
۷. ۵. امانت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛
۸. ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا.
۹. اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی: رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود به ترتیب زیر سوگند یاد کرده و سوگندنامه را امضا می کند:
۱۰. بسم الله الرحمن الرحيم
۱۱. من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت هایی که بر عهده گرفته ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است، همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.